

## ویژگی‌های جغرافیایی قلمروهای شیعه‌نشین

## «هلال شیعی»

یحیی معروف\*

## چکیده

در سال‌های اخیر واژه «هلال شیعی» از سوی عبدالله دوم پادشاه اردن، مطرح شد که در خلال آن خطر قدرت گرفتن شیعیان را در منطقه مطرح کرد. به عقیده آنها جمهوری اسلامی ایران می‌تواند، با اعمال نفوذ طبیعی در میان شیعیان عراق، تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه را هدایت کرده و موازنه قدرت را به نفع شیعیان و علیه منافع آمریکا و اسرائیل تغییر دهد. این مقاله بر آن است تا به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

۱. مقصود از شیعه چه فرقه‌ای است؟ ۲. نقش هلال شیعی در ژئوپلیتیک خاورمیانه چیست؟ ۳. منظور از هلال شیعی، هلال جغرافیایی است یا سیاسی؟ ۴. آیا هدف از هلال شیعی، ایران هراسی است؟ ۵. دغدغه‌های استراتژیک آمریکا درباره مؤلفه تشیع در خاورمیانه چیست؟ ۶. آیا هلال شیعی شکل گرفته است؟

## واژگان کلیدی

قلمروهای شیعه‌نشین، هلال شیعی، جمهوری اسلامی ایران، عراق، آمریکا، اسرائیل.

## مقدمه

هلال شیعی اصطلاحی است که بیشتر از سوی کسانی که در صدد القای خطر شدت یافتن روابط شیعیان عراق با شیعیان خارج از عراق خصوصاً ایران است، استفاده می‌شود. عبدالله دوم پادشاه اردن، در کاربردی «شیعه هراسانه» از آن برای بیان تمایلات ایران‌دوستانه شیعیان عراق استفاده کرد، پس از او حسنی مبارک

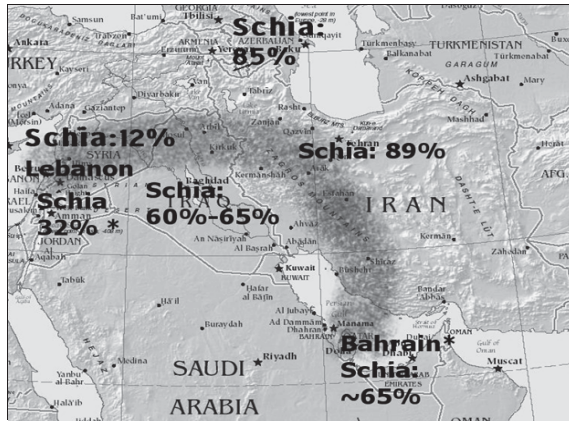
y.marof@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۱

\* دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۱۵

در مصر و ملک عبدالله در عربستان سعودی، از جمله کسانی بودند که خطر هلال شیعی را در منطقه مطرح کردند. (ابراهیمی، ۱۳۸۳؛ نصر، ۱۳۸۳)



ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، در دسامبر سال ۲۰۰۴ م در گفتگو با روزنامه *واشنگتن پست* هنگام دیدارش از آمریکا اصطلاح هلال شیعی را مطرح کرد. کاربرد این واژه، مقارن با به قدرت رسیدن شیعیان در انتخابات عراق، پس از حمله ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۳ م به این کشور بود. بر این اساس به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، تکمیل کننده هلالی از حوزه‌های نفوذ شیعی بود که کشورهای لبنان، سوریه، عراق، ایران، پاکستان و افغانستان را دربر می‌گرفت؛ به این معنا که نه تنها در ایران، شیعیان در قالب جمهوری اسلامی و در لبنان در مقام جنبشی مقتدر و پیشرو، بلکه در عراق و سوریه نیز که دولت را در اختیار دارند، از جایگاه تعیین کننده‌ای در منطقه برخوردار هستند. (پوراحمدی، ۱۳۸۳)

دشمنان اسلام به خوبی می‌دانستند که شکل‌گیری دومین حکومت شیعی در منطقه از سوی شیعیان عراق، بیش از همه موجب تقویت جمهوری اسلامی ایران و هم‌پیمانان منطقه‌ای او از جمله حزب‌الله لبنان و سوریه خواهد شد.

این پژوهش بر آن است تا به فرضیه‌های زیر پاسخ دهد:

۱. نقش هلال شیعی در ژئوپلیتیک خاورمیانه نقشی تعیین کننده است؛ ۲. منظور از هلال شیعی، هلال جغرافیایی است نه سیاسی؛ ۳. هدف از هلال شیعی، ایران هراسی است؛ ۴. دغدغه‌های استراتژیک آمریکا، کنترل و مهار جنبش‌های بنیادگرای شیعه در خاورمیانه است؛ ۵. هلال جغرافیایی شیعی عملاً شکل گرفته است. مقصود از شیعه در هلال شیعی تنها شیعیان امامیه نیست بلکه منظور جریانی مذهبی است که در یک امتداد جغرافیایی و بخش‌های وسیعی از هند، پاکستان، تمام ایران، اکثریت عراق و بحرین، شرق عربستان سعودی، قسمت‌های مهمی از ترکیه، لبنان، سوریه و آفریقا حضور دارند. فرقه‌های شیعی مطرح در این محدوده جغرافیایی علاوه بر شیعیان دوازده‌امامی شامل گروه‌های اسماعیله، زیدیه، علویان سوریه و

بکناشیه ترکیه نیز می‌شوند. امتداد جغرافیایی مذکور، فضای فرهنگی یکپارچه‌ای را شامل می‌شود. نگرانی اعراب از تقویت شیعه در منطقه خاورمیانه و ادعای شکل‌گیری هلال شیعی از سوی برخی از حکام عرب گرچه با نیاتی آغشته به تضعیف ایران و گسترش ایران‌هراسی همراه بود، اما نمی‌توان آن را یکسره غلط پنداشت. قدرت‌یابی شیعیان در عراق بعد از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ م موازنه قوا در منطقه را برهم زد. این جابه‌جایی مرزهای قدرت، البته نه میان تشیع و تسنن که در دو قطبی «تشیع - حکام عرب» رخ داد. از دیدگاه این اندیشه، نفوذ تاریخی ایران بر شیعیان خاورمیانه عاملی برای اختلال امنیت سیاسی منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود و باورمندان به این اندیشه، به شدت بر استفاده از این واژه اصرار دارند. منظور از بیان این هلال، ایران‌هراسی است تا بتوانند کشورهای منطقه را از ایران دور کنند؛ کشوری که مهم‌ترین خاستگاه علوم و مثنی سیاسی و اجتماعی پیامبر ﷺ و اهل بیت گرامی آن حضرت است. این مفهوم از یک‌سو نشان‌دهنده افزایش وزن شیعیان در عرصه سیاست بین‌الملل و خاورمیانه است و از سوی دیگر نوعی جهت‌دهی به حساسیت‌های منفی فضای رسانه‌ای به شمار می‌رود.

### نقش هلال شیعی در ژئوپلیتیک خاورمیانه

ظهور انقلاب اسلامی در ایران و روی کار آمدن حکومت شیعی در این کشور، این فرصت را در اختیار اندیشه سیاسی شیعه قرار داده است تا بتواند الگوی ایدئولوژیکی خود را گسترش دهد، اما گسترش این اندیشه از یک سو به عوامل مختلف منطقه‌ای به‌ویژه فعالیت‌های غربی‌ها و آمریکا و از سوی دیگر تأمین شدن شیعیان منطقه، چه از لحاظ سیاسی و چه اقتصادی مانند مادری دلسوز از جانب ایران بستگی دارد. (عزتی، ۱۳۸۴؛ فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵ الف) تحولات اخیر در عراق و روی کار آمدن دولت شیعی که دولت‌مردان آن سال‌ها در ایران ساکن بوده‌اند و به نوعی خود را مدیون ایرانیان می‌دانند؛ پیروزی‌های حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل که مستقیماً با ایران در ارتباط است؛ پیروزی‌های شیعیان بحرین در عرصه‌های سیاسی این کشور و سرانجام اقدامات حوصی‌ها در یمن، همگی نشان می‌دهد که شکل‌گیری هلال شیعی از جنبه مثبت آن - که بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ آغاز شده است - متوقف نشده و در حال تکامل و پیشرفت است. (جمالی، ۱۳۸۶)

### منظور از هلال شیعی

منظور از هلال شیعی بیشتر جنبه‌ای عینی و جغرافیایی دارد. دشمنان تشیع از اتصال مذهبی جغرافیایی شیعیان در کشورهای عربی منطقه می‌ترسند. درحالی‌که از دیگر جنبه‌های مهم انسانی آن از جمله قابلیت الگوسازی و تبدیل شدن به یک شاخص، کمتر سخن به میان می‌آورند. آنان بعد از انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ عراق از قدرت یافتن ایران ترس داشتند بدون آنکه اثرات هلال شیعی و قدرت شیعیان در منطقه را بر عرصه

داخلی خود برآورد کرده باشند. بر این اساس به نظر می‌رسد اشتباه فاحش در فهم مؤلفه‌های انسانی هلال شیعی و صرفاً بیان ژئوپلیتیکی از آن، عاملی مهم در عدم برنامه‌ریزی‌های آنان برای شهروندان خود شده است. (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۳)

یکی از مهم‌ترین اعتراضات مردمی به حکام عرب، درجا زدن‌های سیاسی و اقتصادی در مقابل غرب است. دیروز این حاکمان از الگوگرفتن ملت‌های عرب از شیعیان می‌ترسیدند و برای مقابله با آن تلاش می‌کردند اما نگاه مرزمحور و تلاش برای استفاده از این ابزار برای گسترش ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، نه تنها آنان را به اهداف خود نرساند بلکه موجب شد تا تفکر مقاومت در مقابل ظالم در میان مردم عرب نفوذ کرده و با شعله‌ور شدن آتش در تونس، غالب این کشورها در حال تحول قرار گیرند. حکام عرب از هلال شیعی دم زدند اما نتوانستند بفهمند که بیان غرض‌ورزانه از آن، روزی قرص ماه اسلام را در منطقه نمایان خواهد ساخت و شیعه و سنی در کنار یکدیگر به مقابله با سیاست‌های ذلت‌آور آنان اعتراض خواهند کرد. بحرین نمونه عینی چنین مواردی است. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸)

### هدف از هلال شیعی

هلال شیعی ابزاری بود تا آمریکا با تمسک جستن به آن، به هدف اولیه خود که همان حضور بلندمدت در منطقه خلیج فارس و در قلب این منطقه، یعنی عراق است، دست یابد تا از این طریق به اهداف اصلی ذکر شده خود در منطقه برسد. ایالات متحده برای دستیابی بهتر و راحت‌تر به منافع سابق و همیشگی خود در منطقه و در نتیجه در عرصه جهانی، از هلال شیعی به مثابه یک ابزار استفاده کرده و می‌کند.

هدف عربستان سعودی نیز از مطرح کردن طرح تهدید هلال شیعی، مقابله با فشارهای داخلی و خارجی برای انجام اصلاحات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داخلی است. عربستان با دستمایه قرار دادن این استراتژی و نیز با دخالت در امور داخلی عراق و تشدید منازعات و درگیری‌های داخلی در این کشور - بنا به اعتراف مقامات آمریکایی - توانست آمریکا را در منجلاب عراق، فرو برد و با این حربه، از فشارهای خردکننده از سوی آمریکا در روزهای اولیه پس حوادث ۱۱ سپتامبر علیه خود رهایی یابد. (دهشیری، ۱۳۸۳)

### دغدغه‌های استراتژیک آمریکا و اسرائیل درباره مؤلفه تشیع در خاورمیانه

مهم‌ترین هدف راهبردی ایالات متحده آمریکا، از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون این بود که جنبش‌های بنیادگرای شیعه را در دهه ۸۰ کنترل و مهار کند. به همین دلیل، با بهره‌گیری از صدام و ویژگی‌های شخصیتی او، جنگی میان دو کشور شیعه (ایران و عراق) به راه انداخت و طی هشت سال جنگ عراق با ایران، کمک‌های فراوانی برای برآورده شدن این اهداف انجام داد؛ اما اکنون موضوع تشیع در عراق و خاورمیانه، به یکی از مهم‌ترین موضوعات استراتژی امنیت ملی آمریکا تبدیل شده است. (پوراحمدی، ۱۳۸۶)

تصمیم‌گیران کاخ سفید معتقدند که تلاش‌های متمادی آمریکا برای مهار دوگانه ایران و عراق، پس از براندازی رژیم بعثی عراق، وارد مرحله پیچیده‌تری شده است. بر این اساس، برکناری صدام حسین، تنها قسمتی از سناریوی «جورج بوش» بوده و اکنون کنترل کشوری چون عراق که دو سوم جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، مشکل‌تر شده است؛ چراکه جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اعمال نفوذ طبیعی در میان شیعیان عراق، تحولات ژئوپلتیک خاورمیانه را هدایت کرده و موازنه قدرت را به نفع شیعیان و علیه منافع آمریکا و اسرائیل تغییر دهد. (جاودانی مقدم، ۱۳۸۷)

مقامات آمریکا با اشاره به اظهارات پادشاه اردن چنین ادعا می‌کنند:

در کنار ایران و عراق که دارای اکثریت جمعیت شیعه هستند، کشورهای لبنان و بحرین به دلیل جمعیت زیاد شیعی و سوریه با حاکمیت اقلیت شیعیان علوی و گروه شیعیان عربستان سعودی به دلیل سکونت در مناطق نفت خیز، با شکل دادن به «هلال شیعه»، تحولات ژئوپلتیکی را از خلیج فارس تا مدیترانه تحت تأثیر قرار می‌دهند. (عزتی، ۱۳۸۰)

در حقیقت، سران آمریکا و اسرائیل با برجسته‌سازی مفهوم «هلال شیعه»، انحراف اذهان تصمیم‌گیران عرب را از مسئله اصلی، یعنی «اسرائیل» پی‌می‌گیرند و نگرانی آنها را نسبت به حاکمیت ایدئولوژی شیعه تحت رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران در منطقه تحریک می‌کنند. چنان که باید اذعان داشت، آنها از سوی دیگر، برجسته‌سازی و نهادینه شدن مفاهیمی چون هلال شیعی را در تعارض با الزامات طرح خاورمیانه می‌دانند و این موضوع متناقض‌نمایی است که آمریکا در حل آن با مشکل روبه‌رو است؛ به این معنا که برای تضعیف جمهوری اسلامی و به طریق اولی «اسلام سیاسی»، از نوعی که کشور ما ادعای ام القریایی آن را دارد، تلاش می‌کند مخاطرات واهی شکل‌گیری هلال شیعی و نهادینه شدن آثار آن در تحولات منطقه‌ای را همواره به کشورهای منطقه، به‌ویژه عرب‌های سنی گوشزد کند و از سوی دیگر می‌داند که طرح هرگونه الگوی رفتاری در کنار طرح خاورمیانه بزرگ، به تضعیف و استحاله الزامات این طرح منجر خواهد شد. برای مثال آنها ارتباط طبیعی میان جمهوری اسلامی ایران و احزاب و گروه‌های شیعه عراقی را با عنوان دخالت ایران در عراق مطرح می‌کنند تا از یک سو، چهره نظام جمهوری اسلامی ایران را در میان کشورهای مسلمان منطقه مخدوش سازند و از سوی دیگر، زمینه‌های اعمال فشار بیشتر بر شیعیان عراق را میسر سازند. (توال، ۱۳۷۹)

آمریکا در چهارچوب سیاست تثبیت منطقه‌ای خود درصدد سرکوب هسته‌های مقاومت و جریان اصیل بیداری اسلامی است اما تحولاتی که در سال‌های اخیر رخ داد سیاستمداران آمریکایی را با مشکل مهم افزایش قدرت سیاسی شیعیان منطقه مواجه کرد.

دیک چنی در سفری که به عربستان داشته است بر این نکته تأکید کرد که اگر عربستان با آمریکا همکاری نکند هلال شیعی در منطقه، قدرت اعراب را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. از نظر سران کاخ سفید و

اسرائیل، وجود کشور مسلمان و نیرومندی چون ایران، میان دو منبع انرژی (خزر و خلیج فارس) که ۶۸ درصد منابع انرژی جهان را به خود اختصاص داده است، برای استراتژی، منافع و امنیت ملی غرب در قرن بیست و یکم خطرناک است. (دیکی، ۱۳۸۲)

### شکل‌گیری هلال شیعی

همان‌طور که اشاره شد پادشاه اردن در اظهارات بی‌پرده خود چنین وانمود کرده که: «کشورهای عربی سنی‌مذهب، از سوی هلال شیعی محاصره شده‌اند». به نظر وی «هلال شیعی از ایران شروع و در این اواخر با حاکمیت شیعیان بر عراق تداوم یافته و از اقلیت علوی حاکم بر سوریه گرفته تا لبنان که با افزایش روزافزون جمعیت شیعه مواجه است، همه این کشورها را دربر می‌گیرد». (هویدی، ۱۳۸۵)

این در حالی است که مذهب تشیع برخلاف میل دشمنان، با الهام از مکتب امام حسین علیه السلام در حال گسترش روز افزون است و یکی از کانون‌های مکتب تشیع، عراق است. قدرت گرفتن شیعیان در حاکمیت عراق ساخت، توازن مذهبی و مؤلفه قدرت در منطقه را برهم زده به طوری که قدرت‌های بزرگ منطقه و جهان، به‌ویژه آمریکا و اسرائیل را از این وضعیت ناخشنود ساخته است. بر این اساس ایجاد نوعی فشار برای محدود کردن قدرت شیعیان قابل پیش‌بینی است؛ امری که بارها تصمیم‌سازان کاخ سفید به آن مبادرت ورزیده‌اند.

حاکمیت شیعیان در عراق، در معادلات سیاسی آمریکا و اسرائیل از پیچیدگی زیادی برخوردار است؛ زیرا مشارکت فعال آنها موجب شده، تصمیم‌گیران اصلی بازی «خاورمیانه بزرگ»، با تحریک اقوام کرد از یک سو و اعراب سنی از سوی دیگر، هشدار به شیعیان و تهدید به تجزیه عراق ضمن ایجاد نظام توازن قوا در عراق، تلاش کنند تحولات سیاسی این کشور را در آینده به نفع خود جهت‌دهی کنند.

آنها کشورهای منطقه را علیه ایران، سوریه، لبنان و حاکمیت شیعه عراق تحریک می‌کنند تا نگرانی‌های استراتژیک رژیم صهیونیستی را بر طرف سازند. (توال، ۱۳۷۹)

درگیری گسترده آمریکا در عراق و اوج‌گیری قیام شیعیان در اعتراض به حضور اشغالگران آمریکایی و نهایتاً اخراج آنها از عراق، رویکرد جدیدی را فراروی مطالعات استراتژیک تصمیم‌گیران ایالات متحده درباره نقش تشیع در منطقه خاورمیانه گشوده است. در این راستا با توجه به نگرانی‌های استراتژیک آمریکا در مورد تأثیر تحولات عراق بر مسائل نفت و امنیت اسرائیل، ایجاد ساختار حکومتی فدرال در عراق و دادن نقش بیشتر به کردها، به عنوان یک راه حل اساسی برای مهار و کنترل شیعیان، در نظر گرفته شده است. (بی‌نا، ۱۳۸۶)

به اعتقاد سردمداران وهابی وابسته به آمریکا و اسرائیل، حاکمیت علویان در سوریه که متحد ایران هستند، نمونه عینی و مهمی برای تشکیل هلال شیعی در منطقه است. آنان عقیده دارند قیام شیعیان در یمن و ارتقای تأثیرگذاری شیعه‌تباران پاکستانی و افغانی در حکومت‌هایشان، از نشانه‌های توسعه شیعه و هلال شیعی است.

البته نباید فراموش کرد که مرکز هلال شیعی و ژئوپولیتیک آن، کشور جمهوری اسلامی ایران است و سیاست مدنظر ایران نیز بر پایه وحدت میان مسلمانان و ایجاد انسجام و نزدیکی شیعه و سنی است. طرح هفته وحدت در داخل کشور و نامیدن جمعه آخر ماه مبارک رمضان به روز قدس در عرصه بین‌المللی و حمایت این کشور از حزب‌الله و حماس در منازعات منطقه‌ای گویای رویکرد حکومت جمهوری اسلامی ایران است؛ بنابراین در مجموع می‌توان چنین مطرح کرد که طرح ایده هلال شیعی از منظری می‌تواند مثبت ولی از دیدگاه دیگر می‌تواند منفی و دستاویزی برای اعمال فشار منطقه‌ای و بین‌المللی بر کشورهای دربرگیرنده آن به‌ویژه ایران باشد؛ زیرا طرح آن ممکن است وزن شیعیان را افزایش دهد، ولی موضع‌گیری نادرست می‌تواند به ماهیت حضور فعال شیعیان آسیب برساند و کشورهای عربی منطقه را در ذیل حمایت‌های آشکار و پنهان جهان غرب در مقابل شیعیان قرار دهد. اما نباید از این موضوع غافل شد که حفظ انسجام کشورهای شیعی می‌تواند تأثیر عمیقی بر تحولات منطقه بگذارد.

### هلال شیعی و نگرانی دشمنان

نگرانی دشمنان از شکل‌گیری هلال شیعی را می‌توان مشتعل بر این موارد دانست:

۱. از آنجاکه ژئوپولیتیک شیعه در منطقه از قدرت بالایی برخوردار است لذا نگاه جمعی به آنان برخی نکات حائز اهمیت را داراست. در حقیقت، موقعیت جغرافیایی استقرار شیعیان یا ژئوپولیتیک شیعه در منطقه خاورمیانه، کمربند استراتژیک اقتصادی و سیاسی در منطقه محسوب می‌شود؛ زیرا شیعیان در قلب بزرگترین منطقه نفت‌خیز خاورمیانه که ۷۵ درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد، قرار گرفته‌اند. اکثریت شیعیان ایران، عراق و آذربایجان بر ۳۰ درصد ذخایر نفت دسترسی دارند که اگر قسمت شیعه نشین شرق عربستان سعودی به این ارقام اضافه شود، این مقدار به ۵۰ درصد می‌رسد. بنابراین شیعیان عرب به همراه ایران می‌توانند اکثر منابع خلیج فارس را به کنترل خود درآورند. (جاودانی مقدم و گوهری، ۱۳۸۷: ۱۴۷)
- پیروزی شیعیان بعد از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ در عراق به عنوان دومین دولت شیعی در منطقه خلیج فارس، فصل جدیدی در معادلات امنیتی و سیاسی خاورمیانه و احیای هویت شیعیان منطقه بود. شیعیان عربستان سعودی و بحرین خوش‌بین بودند که حکومت شیعه در عراق دولت‌های آنها را ملزم به اصلاحات جدی خواهد کرد تا موقعیت آنها را در دولت ارتقا بخشد. (نکاست، ۱۳۸۸: ۱۳)
۲. اعتراضات شیعیان منطقه که موجب بحرانی شدن شرایط کشورهای مرتجع عرب گردید. به خصوص آنکه شیعیان، ۷۰ درصد کارکنان شاغل در میداین نفتی عربستان را تشکیل می‌دادند، این مسئله موجب نگرانی مفرط آل سعود گشت.
۳. تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران در سایه دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای، پیشرفت‌های ایران در صنایع دفاعی و نظامی و توسعه تکنولوژیک و علمی این کشور.



۴. پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل.

۵. قیام‌های شیعیان یمن و سرنگونی علی عبدالله صالح.

۶. قیام‌های شیعیان بحرین علیه آل خلیفه.

این موارد موجب شد تا حکام عرب از بازبایی هویتی شیعیان و برهم خوردن نظم سنتی منطقه احساس نگرانی کنند؛ به طوری که پادشاه اردن در اواخر دسامبر سال ۲۰۰۴ گفته بود:

اگر احزاب یا سیاستمداران طرفدار ایران بر دولت جدید عراق مسلط شوند یک هلال جدید شامل جنبش‌ها یا حکومت‌های مسلط شیعه از ایران تا عراق، سوریه و لبنان ظاهر خواهد شد که موجب برهم زدن موازنه قوای موجود میان شیعه و سنی شده و چالش جدیدی برای منافع آمریکا و متحدانش خواهد بود... (Wright, 2004)

چند ماه بعد در سپتامبر سال ۲۰۰۵ م وزیر خارجه عربستان سعودی در سفر به آمریکا از نگرانی دولت متبوعش در مورد آن چیزی که وی آن را تحویل عراق به ایران در نتیجه حمله آمریکا به این کشور نامید سخن راند. سپس در آوریل سال ۲۰۰۶ میلادی رئیس جمهور مصر در مصاحبه با شبکه العربیه ضمن این ادعا که بیشتر شیعیان ساکن کشورهای عربی به ایران وفادارترند تا کشور خود، مدعی شد شیعیان عراق تحت نفوذ ایران قرار دارند. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

این اظهارات نهایتاً منجر به ورود یک اصطلاح جدید به ادبیات سیاسی و ایدئولوژیکی خاورمیانه شد. اگرچه هلال شیعی با ژئوپلیتیک شیعه که قبلاً توسط فرانسوا توال مطرح شده بود، قرابت‌هایی داشت اما نمی‌توان آنها را از نظر مفهومی منطبق دانست. بعدها مباحث مرتبط با هلال شیعی توسعه پیدا کرد. البته روزی که مرتجعان عرب، ترس از هلال شیعی را گوشزد کردند، در خط ترسیمی فرضی هرگز به مخیله آنها خطور نمی‌کرد که سوریه هم به تفکر سیاسی شیعی که آزادگی و عدالت و خودباوری و استقلال و شوریدن بر صهیونیست‌ها و متجاوزان و مقاومت از مؤلفه‌های اصلی آن است و در انقلاب اسلامی ایران تجلی یافت - روی آورد و به سرعت به ایران نزدیک شود. هرچند می‌گفتند و می‌ترساندند، اما در عالم واقع، چنین روزی را تصور نمی‌کردند.

### راهبرد تقابل آمریکا با هلال شیعی در خاورمیانه

برخی تدابیر پیش‌بینی شده از سوی تصمیم‌گیران کاخ سفید، برای مهار و کنترل هلال بدین شرح است:

۱. بهره‌برداری از اختلافات شیعی و سنی و دامن زدن به آن، در راستای جلوگیری از شکل‌گیری هلال شیعه. (برنابلاچی، ۱۳۸۵)
۲. جلب نظر قدرت‌های بزرگ، برای معرفی گروه‌های وابسته به شیعیان لبنان، مانند حزب‌الله به عنوان



گروه‌های تروریستی در راستای انزوای بین‌المللی ایران و اعمال محدودیت علیه جمهوری اسلامی ایران به دلیل دفاع از حزب‌الله.

۳. بهره‌برداری از کردها به منظور کنترل قدرت شیعیان عراق و ایجاد توازن منطقه‌ای.

۴. بهره‌برداری از اختلافات مرزی، قومی و ملی بین کشورهای شیعی و همسایگان مانند بهره‌گیری از صدام حسین، برای برپایی جنگ میان دو کشور شیعه ایران و عراق.

۵. ایجاد کمربند امنیتی در محدوده مرزهای ایران و سوریه که مستلزم تصرف مناطق مرزی میان این دو کشور است.

۶. ایجاد «امپراتوری اخوانی سنی» به رهبری مصر در برابر «هلال شیعی» به رهبری جمهوری اسلامی ایران. براساس طرحی که تئوریسین‌های آمریکایی آماده کرده‌اند، تا پنج سال دیگر همه رژیم‌های عربی و به‌ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، یکی پس از دیگری سقوط می‌کنند و حکومت‌های اسلام‌گرای اخوانی معتدل روی کار می‌آیند و به مرور زمان به طور کامل به مصر نزدیک و با آن متحد می‌شوند و در آن زمان حکومت مصر به طور کامل رهبری جهان عرب و جهان اسلام سنی را در دست خواهد گرفت. با این کار آمریکا خواهد توانست یک امپراتوری سنی مذهب، در برابر هلال شیعی ایجاد کند. در واقع آمریکایی‌ها با این کار تلاش می‌کنند «امپراتوری سنی» به رهبری مصر را در برابر «امپراتوری شیعی» به رهبری جمهوری اسلامی ایران، قرار دهند تا به اصطلاح «امپراتوری سنی» بتواند «امپراتوری شیعی» را کنترل کند.

#### دسیسه‌ها بر ضد هلال شیعی

چندی پیش «ریاض الشفقه» رئیس اخوان المسلمین سوریه - که در ترکیه ساکن است در گفتگو با روزنامه جمهوری‌ت ترکیه گفته بود: «پشت هلال شیعی شکل گرفته در منطقه را خواهیم شکست». (سرویس بین‌الملل جهان نیوز)

از سوئی دیگر فیصل فایز رئیس مجلس نمایندگان اردن نیز که در کویت به سر می‌برد اظهار داشت: «هلال ایرانی در منطقه تبدیل به ماه کامل می‌شود». ([www.asriran.com/fa/news](http://www.asriran.com/fa/news))

این در حالی است که اتحاد عربی و غربی برای به زانو درآوردن هلال شیعی وارد مراحل جدیدی شده است. گسترش درگیری‌های افراطیون سلفی در سوریه، حملات تروریستی برای ناامن کردن عراق و تلاش گسترده آل‌سعود و آل‌خلیفه برای سرکوب قیام مردم بحرین، نشان دهنده اوج وحشت سران عرب است. آنچه که به عنوان افراطی‌گری مذهبی در قالب القاعده به منظور تأمین منافع غرب مطرح شده همانند ویروسی‌کننده، سراسر جهان اسلام را آلوده کرده است.

حملات القاعده به مناطق مختلف سوریه در حالی صورت می‌گیرد که شمار شیعیان سوریه در حدود یک

میلیون نفر است. شیعیان تقریباً در همه مناطق سوریه زندگی می‌کنند، ولی تمرکز ایشان در شهرهایی چون «حلب» و «ادلب» بیشتر است. در شهر «حمص» نیز شیعیان در مناطقی مانند «الفوعه»، «کفریا»، «معرتمصرین» و ... زندگی می‌کنند. در خلال دو سال درگیری در سوریه معمولاً اوج جنایات‌ها و خرابکاری‌های گروه‌های تروریستی در اطراف همین شهرها صورت گرفته است و بسیار ساده‌لوحانه است اگر گمان کنیم که این تمرکز اتفاقی بوده است.

آنچه که تاکنون مانع از ایجاد درگیری گسترده در منطقه و در نهایت تأمین منافع غرب برای ایجاد محیطی آرام برای رژیم صهیونیستی شده است، تنها خویشتن داری علمای تشیع و اهل تسنن بوده و گرنه در زمانی بسیار زودتر از این فتنه‌ای که عربستان و قطر آن را مدیریت می‌کنند به نتیجه می‌رسید.

### جایگاه بحرین در هلال شیعی

در کنار قدرت‌های غربی که منافع قابل توجهی در منطقه دارند، حکام کشورهای خلیج فارس نیز به شدت از سرایت انقلاب بحرین در هراسند؛ چراکه علاوه بر تأثیر بر تحولات بازار نفت، قدرت‌گرفتن اکثریت شیعی در بحرین زنگ خطر را برای جهان عرب به صدا در آورده است و تحولات متأثر از بیداری اسلامی، مخاطره‌ای جدی در برابر آنان قرار می‌دهد. ارتجاع منطقه و حکام مستبد کشورهای خلیج فارس نیز به شدت از سرایت انقلاب بحرین در هراسند. علاوه بر آن، قدرت‌گرفتن اکثریت شیعی در بحرین - مشابه آنچه در عراق رخ داد - زنگ خطر جدی را برای وهابیان به صدا در آورده است. (معین‌الدینی، ۱۳۸۵)

بحرین برخلاف قطر، صاحب درآمد نفتی نیست تا بتواند به جامعه پول تزریق کند. برای همین جامعه آن فقیر است و وابسته به عربستان شده است؛ عربستانی که به آن نفت صادر می‌کند تا بتواند در این کشور کارآفرینی کند.

اگر عربستان در بحرین نقش‌آفرینی می‌کند، نقش نیابتی است. از سوی دیگر عربستانی‌ها معتقدند که اگر تحول سیاسی در بحرین اتفاق بیفتد آثار خودش را در شرق عربستان به جای خواهد گذاشت. در عین حال عربستانی‌ها معتقدند که ایران در فضای اجتماعی جامعه عربی حضور دارد، برای همین بر این باورند که باید با آن بجنگند. این فقط بحث هویت و طایفه‌ای نیست بلکه به قولی بحث ژئوکالچر است. برای همین است که می‌گویند باید نظام سیاسی در بحرین حفظ شود. استراتژی ایالات متحده نیز استراتژی حفظ نظام سیاسی است؛ چراکه تغییر در منطقه دومینوی پرمخاطره‌ای را موجب می‌شود. آمریکا هیچ‌گاه اجازه نمی‌دهد در جایی که پایگاه دارد تحولی انقلابی شکل بگیرد که یک طرف آن هم ایران باشد. برای همین فضای سرکوب از عربستان به بحرین منتقل شده است.

از لحاظ ژئوپلیتیکی، اگرچه بحرین مجمع‌الجزایری کوچک است و نسبت به سایر همسایگان خود منابع کمتری دارد اما دارای موقعیتی راهبردی است. این کشور در همسایگی عربستان قرار دارد و دارای پیوستگی

سرزمینی و فرهنگی با مناطق شیعه‌نشین عربستان چون قطیف و احساء، شهرهای کلیدی منطقه الشرقیه است؛ منطقه‌ای نفت‌خیز که بیشتر نفت و گاز عربستان را در خود جای داده است.

ملاحظات ژئوپلیتیکی بین‌المللی این کشور نیز سبب پشتیبانی کشورهای غربی و عربی از نظام پادشاهی این کشور و عدم توجه به خواسته‌های به حق معترضان شده است. در سطح بین‌المللی، آمریکا واقف است که در صورت سرنگونی نظام فعلی، این کشور دیگر میزبان ناوگان دریایی آمریکا نخواهد بود. همچنین با توجه به بافت جمعیتی این کشور، حکومتی شیعه‌نشین و نزدیک به ایران بر این کشور حکمرانی خواهد کرد و به زعم آنان ضمن تکمیل هلال شیعی، وضعیت محور ژئوپلیتیکی مقاومت را بهبود خواهد بخشید.

عربستان همچنین نگران روی کار آمدن یک دولت شیعه و متحد ایران در همسایگی خود است. این امر می‌تواند سبب ارتقای موقعیت ایران در منطقه شود و عربستان بیش از پیش خود را در محاصره حکومت‌های نزدیک به ایران ببیند. همچنین جایگاه عربستان به عنوان متحد غرب ایجاب می‌کند که این کشور از ایجاد هر تحولی که سبب افزایش قدرت ایران در منطقه می‌شود، جلوگیری کند.

سایر همسایگان عرب بحرین نیز مخالف روی کار آمدن رژیم‌های مردم‌سالار در بحرین هستند. این کشورها به خوبی واقفند که هرگونه تغییر در همسایه کوچک خود، شهروندان این کشورها را برای انجام تغییراتی مشابه تحت تأثیر قرار خواهد داد و پایه‌های رژیم‌های پادشاهی و خودکامه این کشورها را متزلزل خواهد کرد. از سوی دیگر آنها هیچ‌گونه رغبتی به داشتن یک همسایه نزدیک به ایران نخواهند داشت؛ چراکه آگاهند وجود دولتی شیعی و نزدیک به ایران سبب انشقاق در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به نفع ایران خواهد شد.

#### جایگاه آذربایجان، افغانستان، هند، پاکستان و کویت در هلال شیعی

آذربایجان با ۷۵ درصد شیعه با موجی از سکولاریسم که به واسطه هفت دهه حاکمیت شوروی ترویج شده، مواجه است که نمی‌تواند به طور قطع جزو هلال شیعی به حساب آید، هرچند که این کشور قبلاً جزو امپراتوری پارس بوده است.

در شرق ایران، طوایف هزاره افغانستان قرار دارند که در قرن هفدهم میلادی منطقه آنان با نام هزارجات در مرکز افغانستان تحت کنترل امپراتوری ایران درآمد و در این زمان هزاره‌ای‌ها به مذهب شیعه گرویدند. این طوایف در افغانستان بیش از همه طوایف سرکوب و از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی به حاشیه رانده شدند. حکومت طالبان آنها را به صورت جمعی قتل‌عام می‌کرد. شیعیان این کشور با همه ضعف و فقری که دارند سعی می‌کنند خود را از کاروان شیعیان جهان، دور نکنند.

شیعیان در مناطق شمال هند، یعنی اوتارپرادش و نیز در راجستان، کشمیر، پنجاب و سواحل غربی کشور در حوالی مامبی و کراچی پاکستان متمرکز شده‌اند. شیعیان این مناطق بیشتر شیعه اسماعیلی هستند تا

اثنی عشری. در هند تقریباً ۲۵ میلیون نفر مسلمان شیعه - اعم از اسماعیلی و اثنی عشری - زندگی می‌کنند. این رقم گرچه بزرگ است، اما اقلیتی از مسلمانان را تشکیل می‌دهد که خود اقلیتی از جامعه هند و در پاکستان اقلیتی از اکثریت سنی هستند. شیعیان این دو کشور نیز به دلیل سرکوب‌های چندین ساله قدرت چندانی در عرصه هلال شیعی ندارند.

کویت در شمال منطقه احساء قرار دارد و بیست و پنج درصد از جمعیت بومی و مهاجر آن را شیعیان تشکیل می‌دهند. این شیعیان نیز رژیم پادشاهی کویت را با چالش‌های مشابه عربستان سعودی مواجه کرده‌اند. شیعیان کویت اگرچه اقلیت مذهبی، اجتماعی و اقتصادی در این کشور هستند، از حقوق سیاسی برخوردارند. در جنوب احساء نیز قطر با بیست و پنج درصد از جمعیت شیعه قرار دارد.

در امارات متحده عربی تنها شش درصد از جمعیت را شیعیان تشکیل می‌دهند اما به دلیل حضور و نفوذ تجاری گسترده ایران در منطقه دبی، اقلیتی با نفوذ هستند. (<http://payegah313.blogfa.com/post-39.aspx>)

### نظر نوام چامسکی درباره هلال شیعی

نوام چامسکی، استاد دانشگاه‌های آمریکا، زبان شناس و منتقد سیاست خارجی آمریکا در کتاب جدید خود با عنوان «دخالت‌ها» می‌نویسد: (<http://mowjsiyasi.blogfa.com/post-36.aspx>)

بیشترین ذخایر انرژی خاور میانه در منطقه موسوم به «هلال شیعی» قرار دارد. کنترل ایران بر این هلال، وحشتناک‌ترین کابوس برای آمریکا است. تنها کشورهایی که نتوانسته‌اند خود را با واشنگتن هماهنگ کنند، ایران و سوریه بوده‌اند و لذا هر دو، دشمن هستند و ایران مهم‌تر.

به نوشته این استاد دانشگاه:

نفوذ ایران در «هلال شیعی» تلاش آمریکا را برای کنترل منابع انرژی خاورمیانه به چالش می‌کشد. منابع مهم انرژی جهان در مناطق شیعه نشین خاورمیانه شامل جنوب عراق، مناطق همجوار عربستان سعودی و همچنین ایران قرار دارد. علاوه بر آن، ایران دارای ذخایر عظیم گاز هم است. بدترین کابوس واشنگتن این است که یک ائتلاف شیعه، کنترل مهم‌ترین ذخایر نفت جهان را مستقل از آمریکا برعهده گیرد و آمریکا در این نبرد شکست بخورد. چنین بلوکی می‌تواند به سازمان همکاری شانگهای که ایران عضو ناظر آن است و همچنین سازمان امنیت انرژی آسیا بپیوندد.

چامسکی با اشاره به حمایت جنبش غیر متعهدها از حقوق هسته‌ای ایران و همچنین درخواست سازمان همکاری شانگهای<sup>۱</sup> از بوش برای خروج نیروهای نظامی از کشورهای عضو این سازمان، می‌نویسد: «تحقق این امر، موقعیت آمریکا را در عرصه قدرت جهانی کاملاً تضعیف خواهد کرد».

۱. کشورهای آسیای مرکزی، از جمله اعضای سازمان همکاری شانگهای هستند.

### عقب‌نشینی پادشاه اردن از دیدگاه «هلال شیعی»

ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن در سخنانی دیدگاه خود درباره تشکیل هلال شیعی از ایران تا لبنان را نفی کرد. وی که چند سال پیش درباره تلاش ایران برای ایجاد آنچه که وی آن را منطقه «هلال شیعی» در منطقه خاورمیانه نام می‌نهاد، هشدار داده بود، در میزگرد انجمن جهانی اقتصاد در داووس تمام آنچه را که درباره تشکیل این هلال شیعی گفته بود، رد کرد و گفت: «آنچه باید از آن هراس داشت استراتژی است که منجر به تشکیل فتنه شیعه - سنی می‌شود». (<http://abna.ir/data.asp?lang=1&Id=177371>)

### نتیجه

۱. هلال شیعی شعاری انحرافی است که از جانب حکام مرتجع عرب و غرب و به‌ویژه آمریکایی‌ها که منافع خود را در تحریک امت اسلامی می‌دانند، مطرح می‌شود. بنابراین، ایده تشکیل هلال شیعه، تنها در جهت ایجاد شکاف بین دو قطب اسلامی یعنی شیعه و سنی طرح‌ریزی شده است. درحالی‌که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، غرب و به‌ویژه آمریکا سعی داشتند که این انقلاب را انقلاب ضد سنی جلوه دهند ولی پس از گذشت ۳۴ سال از انقلاب معلوم شد که این انقلاب نه تنها انقلاب ضد سنی نیست، بلکه همواره مایه پشت‌گرمی کشورهای اسلامی است. حمایت از ملت فلسطین، حمایت از مسلمانان بوسنی که اصولاً مسلمانان اهل سنت هستند، مصداق بارز این مدعاست.

۲. نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق به معنای دخالت این کشور در عراق نیست؛ زیرا نفوذ، یک مقوله ذهنی و دخالت یک مقوله عینی است. پیروزی احزاب شیعه در عراق هم نتیجه اکثریت عددی شیعیان در این کشور است که بیش از ۶۰ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند. ضمن اینکه ائتلاف عراق یکپارچه، با پیروزی در انتخابات عراق، همکاری مسالمت‌آمیزی با سایر احزاب به‌ویژه احزاب اهل سنت داشته است و از برتری عددی خود در پارلمان هیچ‌گاه بر ضد مسلمانان اهل سنت استفاده نکرد و مخالفت با اعضای سابق حزب بعث و سلفی‌ها که دستشان به خون هزاران زن و کودک عراقی آلوده گشته نه تنها مورد قبول شیعیان، بلکه مورد قبول تمامی انسان‌های آزاده است.

۳. در ارتباط با پیروزی حزب‌الله لبنان که پیدایش هلال شیعه را شدت بخشید، باید گفت که دستگیری دو سرباز اسرائیلی که از آن به عنوان سرآغاز جنگ سی و سه روزه یاد می‌شود، دلیلی برای تجاوز نیست. بلکه این اسرائیل بود که به لبنان تجاوز کرد و منشور ملل را نقض نمود و با خلق واقعه قانا شدیدترین جنایات بر علیه بشریت را مرتکب شد. حتی اگر به گذشته برگردیم، می‌بینیم که تشکیل حزب‌الله لبنان نتیجه حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۳۶۱ بود. در ارتباط با نزدیکی ایران با حزب‌الله باید گفت که جمهوری اسلامی نه تنها از حزب‌الله بلکه از جنبش فلسطینی حماس هم حمایت می‌کند که یک جنبش سنی است.

۴. راه پیش رو، نویدگر روزی است که شیعه و سنی در کنار هم، بدون تعصب کور که از رهگذر عده‌ای

عالم‌نمای متعصب و بعضاً جیره‌خوار بر هر دو مذهب تحمیل شد، در فضایی علمی و آزاد، نظریات خود را مطرح و فضایی فکری و فرهنگی نو، گشوده شود. در چنین فضایی مشترکات آشکارتر و محبت‌ها افزون‌تر و کینه‌ها رخت می‌بندد؛ فضایی که در مصر، سابقه دیرینه دارد و مناظره‌های از سر اخلاصی همچون مناظره «سید شرف‌الدین» با «شیخ الازهر»، پشتوانه فکری و عملی چنین آینده‌ای است و اگر این مناظرات علمی و عقیدتی در گذشته‌ها، تنها در کتاب‌های قشری خاص بایگانی شده، امروز به لطف گسترش رسانه‌ها، به جای تکفیر و تفسیق و ترفیض و فحش و ناسزا و از رهگذر نابودی قدرت‌های دیکتاتور، فضای عمومی جهان اسلام را با تدبیر و تعقل و گفتار منطقی و علمی تلطیف خواهد کرد. در چنین فضایی است که نه هلال و ماه شیعی، بلکه «کهکشان اسلام ناب محمدی» در منطقه متولد خواهد شد.

۵. در شناخت ریشه‌های تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، نمی‌توان هلال شیعی را نادیده گرفت؛ اگرچه برخی از سران کشورهای عربی در فهم مؤلفه‌های انسانی هلال شیعی و اثرات آن بر عرصه داخلی خود دچار اشتباه فاحش شده‌اند. امروزه یکی از مهم‌ترین اعتراضات مردمی به حکام عرب، درجا زدن‌های سیاسی و اقتصادی در مقابل غرب است. دیروز این حکام باید از الگو شدن شیعیان می‌ترسیدند و برای مقابله با آن فکری می‌کردند، اما نگاه مرزمحور و تلاش برای استفاده از این ابزار برای گسترش ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، نه تنها آنان را به اهداف خود نرساند بلکه موجب شد تا تفکر مقاومت در برابر ظالم در میان مردم عرب نفوذ کرده و با شعله‌ور شدن آتش در تونس، مصر، اردن، یمن، بحرین و ... غالب این کشورها در حال تحول قرار گیرند.

آنان از هلال شیعی دم می‌زدند، اما نتوانستند بفهمند که بیان غرض‌ورزانه از آن، روزی قرص ماه اسلام را در منطقه نمایان خواهد ساخت و شیعه و سنی در کنار یکدیگر به مقابله با سیاست‌های ذلت‌آور آنان اعتراض خواهند کرد. بحرین نمونه عینی چنین مواردی است.

### منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، شهرزاد، ۱۳۸۳، «عربستان و سیستم قدرت در خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳، سال هفتم، پاییز ۸۳.
۲. برنابلداجی، سیروس، ۱۳۸۵، «هلال شیعی و ژئوپلیتیک خاورمیانه»، نگاه حوزه، شماره ۱۹۲، مهر ۸۵.
۳. بی‌نا، ۱۳۸۶، «اهداف واشنگتن از معرفی ایران به عنوان خطر»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۱۰/۵.
۴. پوراحمدی، حسین، ۱۳۸۳، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تهاجم آمریکا به عراق»، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۳، سال دوم، بهار ۸۳.
۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، «اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تغییرات قدرت آمریکا: از چند جانبه‌گرایی هژمونیک تا

- یک‌جانبه‌گرایی افول، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۶. توال، فرانسوا، ۱۳۷۹، ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه دکتر علیرضا قاسم‌آقا، تهران، نشر آمن (با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور).
۷. جاودانی مقدم، مهدی و ابوذر گوهری، ۱۳۸۷، «استراتژی آمریکا در قبال جهان تشیع، استراتژی آمریکا در قبال جهان اسلام، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۸. جمالی، جمال، ۱۳۸۶، «هلال شیعی و هژمونی آمریکا»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۲۰، زمستان ۸۶.
۹. حاجی یوسفی، امیر، ۱۳۸۸، «هلال شیعی و فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۸۸.
۱۰. خلیلی، اسدالله، ۱۳۸۱، روابط ایران و آمریکا، بررسی دیدگاه نخبگان آمریکایی، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چ اول.
۱۱. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۸۳، «بررسی مقایسه‌ای راهبرد امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپایی در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۱۲، شماره ۴۸.
۱۲. دیکی، کریستوفر، ۱۳۸۲، «۱۱ سپتامبر و دولتمردان ریاض»، ترجمه مسعود سلیمی، روزنامه ابرار، ۱۳۸۲/۶/۱۳.
۱۳. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۰، ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، سازمان سمت.
۱۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، «تحولات ژئوپولیتیک قرن ۲۱ و جایگاه ایران در آن»، ژئوپولیتیک، ویژه نامه دومین کنگره انجمن ژئوپولیتیک ایران، زمستان ۸۴.
۱۵. فاضلی‌نیا، نفیسه، ۱۳۸۵ الف، «ژئوپولیتیک شیعه و مسئله امنیت ملی ایران»، شیعه‌شناسی، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۸۵.
۱۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵ ب، «علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپولیتیک شیعه)»، علوم سیاسی، شماره ۳۶، زمستان ۸۵.
۱۷. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۷۹، ایده‌های ژئوپولیتیکی و واقعیت‌های ایرانی، تهران، نشر نی.
۱۸. معین‌الدینی، جواد، ۱۳۸۵، «دگرگونی ژئوپولیتیک خاورمیانه و امنیت خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۵ و ۲۲۶، خرداد و تیر ۸۵.
۱۹. نصر، سید ولی‌رضا، ۱۳۸۳، «پیامدهای منطقه‌ای تجدید حیات شیعه در عراق چیست؟»، ترجمه وحید رضا نعیمی، همشهری دیپلماتیک، شماره ۳۴، ۵ دی.



۲۰. نکاست، اسحاق، ۱۳۸۸، *شیعیان در جهان عرب مدرن*، ترجمه ارسلان قربانی شیخ نشین، نشر دانشگاه امام صادق.
۲۱. هویدی، فهمی، ۱۳۸۶، «هلال شیعی و ستاره داوود»، ترجمه فرزانه شهیدی؛ *باشگاه اندیشه*، ۱۳۸۵/۷/۲۶.
22. Wright, Robin and Baker, Peter, 2004, "Leaders Warn against forming religious state", *Washington Post*, 8 December.
23. <http://abna.ir/data.asp?lang=1&Id=177371>
24. <http://jahannews.com/vdce7f8w7jh8pwi.b9bj.html> سرویس بین الملل جهان نیوز
25. <http://menber-alhewar.com>
26. <http://mowjsiyasi.blogfa.com/post-36.aspx>
27. <http://payegah313.blogfa.com/post-39.aspx> پایگاه مهدیه
- a. <http://tabank.ir/pages/?cid=12059>
28. [www.antiwar.com/article.php?articleid=9398-40k](http://www.antiwar.com/article.php?articleid=9398-40k)
29. [www.asriran.com/pages/?cid=52145](http://www.asriran.com/pages/?cid=52145)
30. [www.asriran.com/fa/news](http://www.asriran.com/fa/news)
31. [www.asriran.com/Fa/pages/?cid=52149](http://www.asriran.com/Fa/pages/?cid=52149)
32. [www.npr.org/templates/story/story.php?storyid=12349890](http://www.npr.org/templates/story/story.php?storyid=12349890)

